

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

غنا و موسیقی

دیروز به این نتیجه رسیدیم عمده دلیل ما بر حرمت غنا ، روایات است. و گرنه از عقل و اجماع و قرآن نمی توان استفاده کرد ...

درس خارج درس یادگرفتن روش هاست مخصوصا در موضوع مهمی مثل غنا که روایات زیادی برای آن داریم این امر بسیار مهم است که کسی و محققى بتواند این ها را به نقطه خاص و مشخصی برساند و نتیجه گیری کند ..روایات را مدیریت و دسته بندی معقول کند ..اگر بنا باشد عمده تکیه گاه ما در غنا بر روایات باشد، تنسیقها و تنظیمها و تجمیعها بر چند طائفه می شود.اولین طائفه ما ورد فی تفسیر الآيات الماضیه ؛ مثلا قول زور یا لهو الحدیث یا خود زور یا لغو یا آن روایت ذیل آیه : ان السمع و البصر و ... این ها را تطبیق بر غنا می داد...

اگر خواستید بخشی از آن را یادداشت کنید همان قسمت ابواب ما یکتسب به ج 17 باب 99 از ص 303 تا ص 311 ح 2، 8، 9، 20، 24، 26، 6، 7، 11، 25، 3، 5، 19 ... این ها احادیثی هستند که جزء طائفه اول جا می گیرند ...اگر رفتند ذیل آیات باید دلالت آیات بر حرمت آنچه د رایه آمده تمام باشد؛ اگر آیه دلالت بر حرمت آن نهاد نکند و روایتی هم که ذیل آیه آمده ،طبعا دلالت بر حرمت نمی کند .

البته ما باشیم و انصافمان برخی از این آیات دلالت بر حرمت می کند وقتی آیه می فرماید: اجتنبوا قول الزور ...وقتی می گوید و من الناس من یستری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله ...و یتخذها هزوا ...و در آخر هم می گوید لهم عذاب مهین .. می ماند دو نکته : یکی این که بحث معارض نداشته باشیم و الا تعارض پیش می آید...

دوم مطلبی که در کار ما جدید بود این بود که این آیات، با کمک روایات دلالت بر حرمت غنا میکند اما نه غنا بما هو غنادر واقع تفسیر دو سویه این است ... (این طائفه اول).

خواستید تعریف آن را بنویسید اصل مطلب این است که این روایات دلالت بر حرمت غنا بماهو غنا طبق تعریف مشهور نمی کند ...

البته اگر ما صوت را به صوت مجالس لهو ولعب دوران معاویه و بنی امیه و مروان معنا کنیم دلالت دارد ...اما وقتی ما میگوییم غنا بماهو غنا به معنای صوت مرجع فیه مطرب ...درواقع به این شکل و شیوه ای که ما جلو آمدیم یک باکسی را به این روایات دادیم و یک نوع طبقه بندی کردیم.

دوم: ما یدل بوجه علی ذم الغنا بالتعابیر المختلفة

همان باب 99 ح 1، 10، 12، 13، 15، 21، 22، 24، 28 ... همچنین باب 101، ح 4 باب 16 ح 2 و ... این ها در آن ها حدیث معتبر هست نامعتبر هم هست ...

● روایة یونس، قال: سألت الخراساني عليه السلام عن الغناء، و قلت: إن العباسي زعم أنك 1 ترخص في الغناء، فقال: كذب الزنديق! ما هكذا قلت له، سألتني عن الغناء، فقلت له: إن رجلاً أتى أبا جعفر عليه السلام فسأله عن الغناء فقال له: إذا ميز الله بين الحق و الباطل فأين يكون الغناء؟ قال: مع الباطل، فقال: قد حكمت.

و حدیث دیگری هم هست امام صادق علیه السلام

● قال الامام الصادق - عليه السلام - : بيتُ الغناء بيتٌ لا تُؤمنُ فيه الفجیعةُ و لا تُجابُ فيه الدعوةُ و لا تدخلُهُ الملائكةُ.

امام صادق - علیه السلام - فرمود: خانه ای که در آن غناء و ساز و آواز نواخته شود، از مصیبت ها و بلاهای دردناک در امان نیست و دعا در آن خانه مستجاب نمی گردد و فرشتگان به آن خانه وارد نمی شوند.

«دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۸۰»

و اما طائفه سوم:

ما يدل او يتوهم انه يدل على حرمة الغنا بالالتزام و هو ما يدل او يدعى انه يدل على حرمة كسب المغنية او حرمة بيع المغنية و شرائها

طایفه سوم را من روایاتی قرار دادم که مستقیماً نمی گوید که غنا حرام است، میگوید پولی را که مغنی بدست می آورد حرام است... یا می گوید بیع خود کنیز آواز خوان حرام است... در ادامه هست مگر برای کسی که نمی خواهد از غنا استفاده کند ...

باب 15، ح 4، باب 16 ح 3، 4، 5، 6، 7، ...

یک روایت این است:

● القمي عن الكوفي عن إسحاق بن إبراهيم عن نصر بن قابوس قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: المغنية ملعونة ملعون من أكل كسبها .

حدیث دیگری است : پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

● وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَمَنُّ الْمَغْنِيَّةِ سُحْتٌ كَثَمَنِ الْكَلْبِ

من نوشتم:

و دلالة كون الثمن سحتا على حرمة العمل متوقفة على دلالة السحت على البغض و عدم كونه ملكا لآخذه و قد عرفت التشديد عليه في السابق

و جای دیگری هست که شنیدنش موجب نفاق می شود:

طائفه چهارم: ما يدل او يدعى انه يدل على حرمة استماعه و هو يدل بالاولوية على حرمة الغناء نفسه

من طایفه چهارم را روایاتی قرار دادم که می گوید گوش دادن به غنا حرام است...

ایا به نظر شما امکان دارد که گوش دادن حرام باشد اما خود صدا ایجاد کردن حلال باشد؟! باب 99 حدیث 22 و 32 باب 101 ح 1

و یا وسائل ج 3 ص 331

حدیث دیگری است :

● عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَعَمَّدُ الْغِنَاءَ يُجْلِسُ إِلَيْهِ قَالَ لَا

می گوید از برادرم موسی بن جعفر پرسیدم مردی به سمت غنا می رود و می نشیند در مجلس آن غنا ؛ فرمود این کار را نکند و گوش ندهد ...

قال الامام الصادق - عليه السلام - : استماعُ اللّهُو و الغناء يُنْبِتُ النِّفاقَ كما يُنْبِتُ الماءُ الزَّرْعَ. امام صادق - عليه السلام -

فرمودند : گوش کردن به چیزهای بیهوده و غناء و آوازه خوانی، نفاق را می رویاند همان گونه که آب کشتزار را می رویاند.

ادلة القول بعدم حرمة الغناء بوصف كونه غناء

1. ان ما قيل او يمكن ان يقال دليلا على ذلك امور؛

فيض کاشانی یا سبزواری و یا محقق اردبیلی که گفته من روایت صریح صحیح در تحریم ندیدم ...

برخی دیگر گفته اند اگر هم در تحریم روایتی هست یا روایت ضعف سند دارد و یا ضعف دلالت دارد ...

و یا مثلا دلالت می کند با غناهای مقارن با مسائل خاص خود.....

شیخ انصاری، نراقی ، آقای خویی نمیگویند صرف صوت بلکه مناسب لهو و را غنای حرام میدانند

بنده نوشتم که : اذا كان مناسبا لمجالس الفسق و الفجور او مقارنا للحرام

این چیزی است که ما از مجموعه روایات ، استفاده می کنیم.

● من نتیجه ای که از عبارت شیخ دارم نوشتم : فالذهاب الى ما ذهب اليه مثل الشيخ الانصاري والسيد الخوئي و السبزواري و

القاساني وغيرهم من حرمة الغنا اذا كان مناسبا لمجالس الفسق و الفجور او مقارنا لحرام صحيح سواء قلنا بتعد الحرمة من

المقارن له اياه (در ثبوت) ام لا ... (که خودش هیچ وقت حرام نمی شود).
تمام تلاش ما این بود که هر چه بلدهستیم به شما بگوییم ... ما را دعای خیر کنید و فقه هم همین است که هر چه کار کنید زمینه
کار دارد و چقدر اشتباه می کنند کسانی که معتقدند کار شده و دیگر بحثی در فقه نیست که کار کنند ... به هر حال موضوعات
زیادی است که می توان کار کرد.

الحمد لله رب العالمین